

صلى الله عليه وسلم



پایان نامه کارشناسی ارشد
رشته علوم حدیث
گرایش نهج البلاغه

تحلیل واژگان چندمعنایی نهج البلاغه (۵۰ خطبه اول)

استاد راهنما

حجت الاسلام والمسلمین محمد احسانی فر

استاد مشاور

حجت الاسلام والمسلمین مهدی مردانی

دانشجو

یاسین پورعلی قراجه

بهمن ۱۳۹۲

تمام حقوق این اثر متعلق به دانشگاه قرآن و حدیث است.

تقدیم به رهبر معظم انقلاب اسلامی

حضرت آیت الله خامنه‌ای (دام ظلّه العالی)

تشر و قدردانی

حمد و سپاس بیکران خداوند یکتا را که هستی مان بخشید و به طریق علم و دانش اهل بیت رهنمونمان کرد و به همنشینی روهروان علم و دانش مفتخرمان نمود و خوشه چینی از علم و معرفت را روزیمان ساخت. و سپاس فراوان بر همدلی و همگامی مادر مهربان و فداکارم و خانواده عزیزم که همواره در مشکلات و سختی ها یار و یاور بوده اند.

با تشکر و سپاس ویژه از استاد و عالم فرهیخته جناب حجت الاسلام والمسلمین محمد احسانی فر که با کمال سعه صدر و با حسن خلق و فروتنی زحمت راهنمایی این رساله را بر عهده گرفتند و از جناب حجت الاسلام والمسلمین مهدی مردانی که با مشاوره های بی چشم داشت این حقیر را از آغاز تا پایان چراغ راه شدند.

چکیده

نهج البلاغه به عنوان یکی از متون حدیثی شیعه در میان جامعه مسلمین نقش و جایگاه مهمی دارد و پیوسته مورد توجه عام و خاص بوده است. قوت متن و ادبیات بلیغ این کتاب شریف، موجب گردید که شارحان نهج البلاغه در طول اعصار به شرح و تبیین متون و واژگان آن توجه نشان دهند. در این میان، برخی واژگان نهج البلاغه به دلیل خصوصیت «چند معنایی» بیشتر از دیگر کلمات، دچار دیریابی شده و فهم مراد امیرالمؤمنین علیه السلام از آن واژگان را با مشکل مواجه ساخته است. در این تحقیق، پس از گونه شناسی واژگان چند معنایی، به بررسی تک تک آنها در محدوده ۵۰ خطبه اول پرداخته شده و سپس معنای صحیح و مراد امیرالمؤمنین علیه السلام مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است. نتیجه تحقیق آن است که واژگان چند معنایی به جهت منشأ، در چهار دسته قرار می‌گیرند که به ترتیب عبارتند از: مشترک لفظی، شکل صرفی، حروف معانی و حقیقت و مجاز. این واژگان به جهت آمار حدود ۳۸ مورد در محدوده تعیین شده است که در بخش دوم و سوم تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است.

کلمات کلیدی:

واژه‌شناسی نهج البلاغه، واژگان چند معنایی، مشترک لفظی، حقیقت و مجاز، شکل صرفی، حروف معانی.

فهرست مطالب

بخش اول: کلیات و مفاهیم

۱ - کلیات	۲
۱ - ۱ - بیان مسئله	۲
۱ - ۲ - سؤالات تحقیق	۲
۱ - ۳ - فرضیات تحقیق	۲
۱ - ۴ - ضرورت و اهداف	۳
۱ - ۵ - پیشینه‌ی تحقیق	۳
۱ - ۶ - نتایج علمی و عملی تحقیق	۳
۱ - ۷ - محدودیت‌های تحقیق	۳
۱ - ۸ - دستاوردهای جدید	۴
۲ - مفاهیم	۴
۲ - ۱ - چندمعنایی	۴
۲ - ۲ - مشترک لفظی	۵
۲ - ۳ - شکل صرفی	۶
۲ - ۴ - حروف معانی	۷
۲ - ۵ - حقیقت و مجاز	۷

- ۸..... استعمال لفظ واحد در اکثر از معنای واحد در استعمال واحد
- ۱۰..... ۳. قواعد تحلیل واژگان چند معنایی
- ۱۱..... ۱. دلالة الاقتضاء
- ۱۲..... ۲. دلالت تنبيه
- ۱۴..... ۳. دلالت اشاره
- ۱۵..... حجیت این دلالت‌ها

بخش دوم: گونه‌شناسی واژگان چند معنایی

- ۲۰..... مقدمه
- ۲۱..... فصل اول: حروف معانی
- ۲۱..... اشاره
- ۲۱..... ۱. باء بتضییع
- ۲۲..... تحلیل واژه اَدِيلَ الْحَقُّ مِنْهُ بِتَضْيِيعِ الْجِهَادِ
- ۲۲..... ۲. باء بذنبه
- ۲۲..... تحلیل واژه الْمُحْتَبَسُ فِيهَا بِذَنْبِهِ
- ۲۲..... ۳. باء بقلب
- ۲۳..... تحلیل واژه اَثْبَسَتْ بِقَلْبِ النَّاطِرِ
- ۲۳..... ۴. باء بهم
- ۲۳..... تحلیل واژه فَرَكَبَ بِهِمُ الزَّلَّلَ
- ۲۳..... ۵. لام لوقت
- ۲۴..... تحلیل واژه صَلَّصَلَتْ لَوْقَتِ
- ۲۵..... فصل دوم: حقیقت و مجاز
- ۲۵..... اشاره
- ۲۵..... ۱. اَرْضُكُمْ قَرِيبَةٌ مِنَ الْمَاءِ بَعِيدَةٌ مِنَ السَّمَاءِ
- ۲۵..... تحلیل اَرْضُكُمْ قَرِيبَةٌ مِنَ الْمَاءِ بَعِيدَةٌ مِنَ السَّمَاءِ

- ٢٦..... ٢. اصْطَبَّهَا صَابُهَا
- ٢٦..... تحليل اصْطَبَّهَا صَابُهَا
- ٢٦..... ٣. تَزُولُ الْجِبَالُ وَ لَا تَزُلُ
- ٢٧..... تحليل تَزُولُ الْجِبَالُ وَ لَا تَزُلُ
- ٢٧..... ٤. تُمَدِّينَ مَدَّ الْأَدِيمِ
- ٢٧..... تحليل تُمَدِّينَ مَدَّ الْأَدِيمِ
- ٢٧..... ٥. حُكِمَ اللَّهُ أَنْتَظِرُ فَيْكُمْ
- ٢٨..... تحليل حُكِمَ اللَّهُ أَنْتَظِرُ فَيْكُمْ
- ٢٨..... ٦. حَيَاتِ صَمٍ
- ٢٩..... تحليل واژه حَيَاتِ صَمٍ
- ٢٩..... ٧. شُعِلَ مِنَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ أَمَامَهُ
- ٢٩..... تحليل شُعِلَ مِنَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ أَمَامَهُ
- ٢٩..... ٨. عَزَبَ رَأْيُ امْرِئٍ تَخَلَّفَ عَنِّي
- ٣٠..... تحليل عَزَبَ رَأْيُ امْرِئٍ تَخَلَّفَ عَنِّي
- ٣٠..... ٩. فَلَا ظَفِرَتْ يَدُ الْبَائِعِ
- ٣٠..... تحليل فَلَا ظَفِرَتْ يَدُ الْبَائِعِ
- ٣٠..... ١٠. لَا أَبَا لَكُمْ
- ٣١..... تحليل واژه لَا أَبَا لَكُمْ
- ٣١..... ١١. مِثْ قُلُوبِهِمْ
- ٣١..... تحليل مِثْ قُلُوبِهِمْ
- ٣٢..... ١٢. مُنِعَ النَّصْفَ
- ٣٢..... تحليل مُنِعَ النَّصْفَ
- ٣٣..... فصل سوم: شكل صرفى
- ٣٣..... اشاره:

۳۳	۱. اشراک
۳۳	تحلیل واژه اشراک
۳۴	۲. توأم
۳۴	تحلیل واژه توأم
۳۴	۳. جرجره
۳۵	تحلیل واژه جرجره
۳۵	۴. حائک
۳۵	تحلیل واژه حائک
۳۵	۵. قرائن
۳۶	تحلیل واژه قرائن
۳۶	۷و۶. مقدمه و ملطاط
۳۶	تحلیل واژه مقدمه و ملطاط
۳۶	۸. منقلب
۳۷	تحلیل واژه منقلب
۳۸	فصل چهارم: مشترک لفظی
۳۸	اشاره:
۳۸	۱. إذ
۳۸	تحلیل واژه إذ
۳۹	۲. استرجاع
۳۹	تحلیل واژه استرجاع
۳۹	۳. امرته
۴۰	تحلیل واژه امرته
۴۰	۴. حسان
۴۰	تحلیل واژه حسان

- ۴۰..... ۵. عطفه
- ۴۱..... تحلیل واژه عطفه
- ۴۱..... ۶. ممتحن
- ۴۱..... تحلیل واژه ممتحن
- ۴۱..... ۷. ناجذ
- ۴۲..... تحلیل واژه ناجذ
- ۴۲..... ۸. واتر
- ۴۲..... تحلیل واژه واتر
- ۴۲..... ۹. واو
- ۴۳..... تحلیل واژه واو
- ۴۳..... ۱۰. همامة
- ۴۳..... تحلیل واژه «همامه»
- ۴۴..... ۱۱. يتولى
- ۴۴..... تحلیل واژه يتولى
- ۴۴..... ۱۲. يخضمون
- ۴۵..... تحلیل واژه يخضمون

بخش سوم: بررسی واژگان چند معنایی

- ۴۷..... فصل اول: حروف معانی
- ۴۷..... ۱ - بتضییع الجهاد
- ۴۹..... ۲ - المحتسب فیها بذنبه...
- ۵۰..... ۳ - التبت بقلب الناظر
- ۵۰..... ۴ - فرکب بهم الزلل
- ۵۱..... ۵ - لوقت
- ۵۳..... فصل دوم: حقیقت و مجاز

- ١ - ارضكم قريبه من الماء ٥٣
- ٢ - اصطبها صابها ٥٤
- ٣ - تزول الجبال و لاتزل ٥٥
- ٤ - تمدين مدّ الا ديم ٥٦
- ٥ - حكم الله انتظر فيكم ٥٧
- ٦ - حيات صم ٥٨
- ٧ - شغل من الجنه و النار امامه ٥٩
- ٨ - عذب راى امرى تخلف عنى ٦٣
- ٩ - فلاظفرت يد المبايع ٦٣
- ١٠ - لا ابا لكم ٦٤
- ١١ - مث قلوبهم ٦٥
- ١٢ - منع النصف ٦٥
- فصل سوم: شكل صرفى ٦٧
- ١ - اشراك ٦٧
- ٢ - تَوَام ٦٧
- ٣ - جرجرة الاسر ٦٨
- ٤ - حائك ٦٨
- ٥ - قرائن ٦٩
- ٦ - مقدمه ٧٠
- ٧ - ملطاط ٧٠
- ٨ - المنقلب ٧١
- فصل چهارم: مشترك لفظى ٧٢
- ١ - اذ ٧٢
- تحليل معنا ٧٢

- ۷۳..... ۲ - استرجاع
- ۷۳..... تحلیل معنا
- ۷۳..... ۳ - امرته
- ۷۴..... ۴ - حسنان
- ۷۴..... تحلیل معنا
- ۷۵..... ۵ - عفته
- ۷۵..... تحلیل معنا
- ۷۷..... ۶ - ممتحن
- ۷۷..... تحلیل معنا
- ۷۸..... ۷ - ناجذ
- ۷۸..... ۸ - واطر
- ۷۸..... تحلیل معنا
- ۷۹..... ۹ - واو موجود در والناس
- ۷۹..... تحلیل معنا
- ۸۰..... ۱۰ - همامة
- ۸۰..... تحلیل معنا
- ۸۱..... ۱۱ - يتولى
- ۸۱..... تحلیل معنا
- ۸۱..... ۱۲ - يخضمون
- ۸۲..... تحلیل معنا
- ۸۳..... نتیجه گیری
- ۸۴..... فهرست منابع

بخش اول:

کلیات و مفاهیم

۱ - کلیات

۱ - ۱ - بیان مسئله

زبان، هماهنگ با فرهنگ‌ها پویائی و قدرت تحول دارد؛ برخی از واژه‌ها در گذر زمان و متأثر از تحولات اجتماعی و فرهنگی از معانی نخستین خود فاصله گرفته و در مفاهیمی دیگر، یا مفاهیمی که از نظر گستره‌ی مفهومی با معنای نخست ارتباط دارد، به کار رفته است. این دگرگونی‌های معنایی واژه در بسیاری از اوقات به فهم نادرست حدیث می‌انجامد.

در زبان عربی، برخی از الفاظ متأثر از عوامل متعدد و دلایل مختلف دچار چند معنایی می‌شوند. از این رو در متون عربی، فهم مراد دچار چالش می‌گردد. این مسئله در نهج‌البلاغه هم مطرح است. اهمیت مفاد نهج‌البلاغه به عنوان کلام معصوم، می‌طلبد که در این باره پژوهشی موضوعی و نسبتاً گسترده صورت گیرد. بدین جهت، بر آن شدیم که مفهوم و ماهیت، خاستگاه‌ها و گونه‌های چندمعنایی و نیز راه‌های علاج مشکل فهم در موارد چندمعنایی در متون نهج‌البلاغه مورد بحث قرار گیرد. بنابراین تمامی موارد چندمعنایی به تجربه و تمرین گذاشته شود.

۱ - ۲ - سؤالات تحقیق

۱. واژگان چندمعنایی در ۵۰ خطبه‌ی آغازین نهج‌البلاغه کدامند؟

۲. این واژه‌ها از لحاظ منشأ به چند قسم تقسیم می‌شوند؟

۳. معنای مراد حضرت از این واژه‌ها چیست؟

۱ - ۳ - فرضیات تحقیق

سؤال یک و سه به لحاظ اکتشافی بودنشان، فاقد فرضیه هستند. اما سؤال دو: این واژه‌ها به لحاظ منشأ شان به چهار قسم تقسیم می‌شوند: ۱ - مشترک لفظی ۲ - شکل صرفی ۳ - حروف معانی ۴ - حقیقت و مجاز.

۱ - ۴ - ضرورت و اهداف

چون کتاب شریف نهج البلاغه در فرهنگ شیعی از جایگاه خاصی برخوردار است و برای تمام جوانب زندگی بشر از مباحث توحیدی و رموز جنگ‌آوری و یاد مرگ گرفته تا مباحث حکومت‌داری و تربیت فرزند و روش برخورد در اجتماع را شامل می‌شود. و در اهمیتهای همین نکته بس که پس از گذشت چهارده قرن از دوران طلایی و به یاد ماندنی حکومت علوی امروزه نامه‌ی امام به مالک اشتر به عنوان منشور بین‌المللی حکومت‌داری در سازمان ملل متحد تصویب می‌شود. لذا ضروری است برای تبیین بیانات حضرت گامهائی برداشته شود تا عموم بشریت از این چشمه‌ی زلال معارف الهی بهره‌مند شوند. به خاطر این هدف سعی شده است در این تحقیق معنای دقیق واژگان چندمعنا، با توجه به ساختارهای کلمه که باعث فهم بهتر مراد معصوم خواهد شد، روشن شود.

۱ - ۵ - پیشینه‌ی تحقیق

در موضوع واژگان چندمعنایی قرآن چند پژوهش به صورت مقاله، کتاب و پایان‌نامه کار انجام شده است؛ از جمله‌ی این موارد کتاب چند معنایی در قرآن توسط دکتر سید محمود طیب حسینی تألیف شده است، همچنین دکتر علی راد در کتاب مبانی کلامی امامیه در تفسیر قرآن کریم بخشی را به مباحث چند معنایی اختصاص داده است. لکن در حوزه‌ی واژگان چند معنایی نهج البلاغه، این موضوع فاقد پیشینه است.

۱ - ۶ - نتایج علمی و عملی تحقیق

با توجه به اینکه هدف نهائی از شروع نهج البلاغه دستیابی به مراد حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است و شارحان نهج البلاغه هر کدام از نگاهی خاص مثلا تاریخی، کلامی و ... به این کتاب روی آورده‌اند؛ لذا جای مباحث ادبی کارگشا در این کتاب خالی است. مباحثی که می‌تواند پایه‌های مباحث تاریخی و اعتقادی و کلامی باشد. در این راستا این پژوهش می‌تواند در مطالعات قرآن و حدیث در مباحثی چون واژه‌شناسی و فقه الحدیث به کار آید.

۱ - ۷ - محدودیت‌های تحقیق

در مورد مباحث معنا شناسی و بالخصوص واژگان چند معنایی در حوزه‌ی علوم انسانی کاری به صورت گسترده صورت نگرفته است. اگر در مورد موضوعی کاری صورت بگیرد و لو با نگاهی متفاوت، محقق بعدی به راحتی می‌تواند این موضوع را و لو با نگاهی دیگر ادامه دهد. در مورد نهج البلاغه از طرفی کاری در مورد واژگان چند

معنایی صورت نگرفته است که بالتبع نبود منابع کافی را به دنبال می‌آورد و از طرفی در این مورد کارشناسان قوی به ندرت یافت می‌شوند. این موانع پیش روی محقق، وی را در راستای تحقیق در تنگنا قرار می‌دهد.

۱ - ۸ - دستاوردهای جدید

در بیانات ائمه اطهار علیهم‌السلام تشویق‌های اکیدی نسبت به فهم فرمایشات ایشان و وجوه مختلف گفتارشان به دست ما رسیده است از جمله مرحوم صدوق در کتاب معانی الاخبار چنین آورده است:

حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الْكَرْخِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ قَالَ: حَدِيثٌ تَدْرِيهِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ حَدِيثٍ تَرَوِيهِ وَ لَا يَكُونُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ فَقِيهًا حَتَّى يَعْرِفَ مَعَارِيضَ كَلَامِنَا وَ إِنَّ الْكَلِمَةَ مِنْ كَلَامِنَا لَتَنْصَرِفَ عَلَى سَبْعِينَ وَجْهًا لَنَا مِنْ جَمِيعِهَا الْمَخْرَجُ.^۱

ابراهیم کرخی از امام صادق علیه‌السلام روایت کرده است که فرمود: یک حدیث را اگر کاملاً فهمیده باشی، ارزشمندتر از هزار روایت است که (طوطی‌وار) آن را برای دیگران نقل کنی، و نیز هیچ یک از شما در قوانین و احکام دین عالم نخواهند بود مگر آنکه مفهومی‌های گوناگون از سخن ما را دریافته باشد. یقیناً هر جمله‌ای از گفتار ما به هفتاد گونه تعبیر می‌گردد که راه خروج از هر یک از آنها برای ما باز است.^۲

اصلی‌ترین دست‌آورد جدید این پژوهش علاوه بر اینکه خواننده را به فهم مراد معصوم نزدیک می‌کند این نکته را می‌رساند که کلام امیرالمؤمنین علیه‌السلام در صورت قائل شدن به جواز استعمال لفظ مشترک در اکثر از معنی چه زیبایی‌هایی را به همراه دارد و می‌شود وجوه متصوره‌ی فرمایشات ائمه را به دست آورد.

۲ - مفاهیم

۲ - ۱ - چندمعنایی

از منظر دانش معنا شناسی به موقعیتی که یک واحد زبانی (کلمه یا عبارت) از چند معنی برخوردار باشد چند معنایی گفته می‌شود.^۳ برخی از محققان با دقتی بیشتر چند معنایی را چنین تعریف کرده‌اند:

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، ۱ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۳ ق.

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار / ترجمه محمدی، ۲ جلد، دارالکتب الإسلامیة - تهران، چاپ: دوم، ۱۳۷۷ ش.

۳. کورش صفوی، درآمدی بر معنا شناسی انتشارات اسوه، تهران ۱۳۷۹ شمسی ص ۱۱۱.

« مقصود از چند معنایی آن است که یک لفظ یا یک عبارت در یک بار استعمال و در یک متن مشخص، مفید معانی مختلف و متعدد باشد و بتوان همه‌ی آن معانی را مقصود گوینده به شمار آورد.»^۱

چند معنایی اقسام مختلفی دارد و از جمله‌ی آنها می‌توان به مشترک لفظی، حقیقت و مجاز، کنایه و ... نام برد. در کتاب‌های فقهی و اصولی و نیز در برخی تفاسیر قرآن از چند معنایی با تعبیر « استعمال لفظ در بیش از یک معنی» یا « حمل لفظ مشترک بر دو یا چند معنایش» یاد می‌شود.^۲

واژه‌های چند معنایی مبحث اشتراک لفظی را در علم اصول و بحث شیرین و دلکش ایهام را در ادبیات پدید آورده است چگونگی پیدایش این واژه‌ها در زبان ناشناخته است. برخی پدیده اشتراک لفظی را اتفاقی و برخی عمدی میدانند به دیگر سخن برخی معتقدند که واضعان زبان با قصد و عمد یک واژه را برای چند معنا وضع کرده‌اند نه آنکه معنای دوم و سوم در طول زمان و به صورت اتفاقی در کنار معنای نخست واژه نشسته باشند

۲-۲- مشترک لفظی

از جمله آسیب‌های احادیث، اشتراک لفظی برخی واژگان آنهاست؛ اگر کلمه‌ای با توجه به وضع‌های متعدد آن در معانی مختلفی بکار رود به آن مشترک لفظی گویند. مرحوم مظفر ره در تعریف مشترک لفظی می‌گوید:

« و هو اللفظ الذی تعدد معناه و قد وُضع للجمع کلاً علی حدة و لکن من دون أن یصدق وضعه لبعضها علی وضعه للآخر مثل: عین الموضوع لحاسة النظر و ینبوع الماء و الذهب و غیرها و مثل الجون الموضوع للأسود و الأبيض و المشترك کثیر فی اللغة العربیة؛^۳ مشترک لفظی است که معنایش متعدد است و برای تمامی معانی جداگانه وضع شده است. و لکن بدون سبقت گرفتن وضع لفظ برای بعضی از معانی نسبت به وضع لفظ به معانی دیگر مثل کلمه‌ی عین که وضع شده است برای چشم و چشمه‌ی آب و طلا و غیر اینها. و مثل کلمه‌ی جون که وضع شده است برای سیاه و سفید و مشترک لفظی در زبان عربی بسیار است.»

۱. سید محمد طیب حسینی، چند معنایی در قرآن، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

۲. علی راد، مبانی کلامی امامیه در تفسیر قرآن، انتشارات سخن، ۱۳۹۰ ص ۱۵۸.

۳. مظفر، محمدرضا، المنطق، قدس، قم، ۱۴۲۳ق، ص ۲۸.

منشا پیدایش اشتراک لفظی که در تمام زبانها هم متداول است تعدد وضع کنندگان و واژه پردازان می‌باشد که پس از جمع آوری و کنار هم گرفتن این الفاظ با بار معنایی خود اشتراک لفظی پدیدار می‌شود و شن شدن حدیثی که دارای الفاظ چند معنایی (مشترک لفظی) است به قراین معینه نیاز دارد. از این رو استعمال لفظ مشترک با عدم این قراین سبب اختلال و انحراف در فهم حدیث می‌شود.

اشتراک لفظی بر دو گونه است: ذاتی و عرضی؛ بدین معنا که گاه یک لفظ در دو یا چند معنا وضع شده ولی به کمک قراین در هر جایی یکی از آن معانی مراد است مثلاً لفظ تضرب هم برای مفرد مونث غایب وضع شده و هم برای مفرد مذکر مخاطب. در روایات واژه‌های اختلاف، مولا، الرطل، القرء و مانند اینها واژه‌های مشترک لفظی هستند که نباید آنها را در همه‌ی احادیث به یک معنا دانست، بلکه با توجه به سیاق کلام، معنای مورد نظر از آن واژه روشن می‌گردد.

گاهی هم اشتراک بر اثر تشابه دو صیغه از یک ماده و یا دو ماده است که بخاطر کاربرد قواعد اعلال، دچار تخفیف و تضعیف شده اند که این همان اشتراک لفظی عرضی است که ما این بحث را در فصل جداگانه به نام شکل صرفی آورده ایم مثل کلمه مراتب در فرمایش امیرالمومنین علیه السلام:

« قَالَ علیه السلام لَا تُحَدِّثُ مِنْ غَيْرِ ثَقَّةٍ فَتَكُونَ كَذَّابًا وَ لَا تُصَاحِبُ هَمَّازًا فَتُعَدَّ مُرْتَابًا^۱ »

امیرالمومنین فرمود سخنی را که اطمینان نداری مگو که دروغگو خواهی بود همنشینی با مسخره گر نکن که مشکوک شمرده می‌شوی.»

در این حدیث معنای اسم فاعلی و اسم مفعولی مراتب محتمل است گرچه با توجه به قرینه ممکن است یکی از آن دو متعین شود راه حل در ایشن گونه موارد، توجه به قراین متصل و منفصل و قراین سیاقیه و احادیث مشابه است.^۲

۲-۳- شکل صرفی

گاهی به کار رفتن یک واژه در چند معنی حاصل چند معنایی ماده‌ی (مشترک لفظی ذاتی) آن نیست، بلکه از مشابهت دو هیئت یک ماده و دو صیغه از یک ریشه، پدید آمده است. این تفاوت حرکتی گاه در لام‌الفعل ماضی و مضارع وجود دارد در معنای ماده اثر می‌نهد؛ اما در اسم فاعل و مفعول و برخی دیگر از مشتقات

۱. بحار الأنوار (ط - بیروت) / ج ۷۵ / ۱۰ / تتمه باب ۱۵ مواظب امیر المؤمنین ۷ و خطبه ایضا و حکمه ص ۱.

۲. سید علی دلبری، آسیب‌شناسی فهم حدیث، ۱۳۹۱، انتشارات آستان قدس رضوی.

بازتاب ندارد و از این رو اسم فاعل‌ها و اسم مفعول‌های چند معنایی متعددی پدید می‌آید. این امر در زبان عربی به دلائل مختلفی اتفاق می‌افتد از آن جمله تفاوت حرکتی برخی از حروف کلمه است همچون زور به ضم و فتح زاء و نیز حسان به فتح حاء و سین و حسان به کسر حاء و سکون سین. سبب دیگر، تغییرات حاصل از اعلال کلمه است مانند دو معنایی شدن مختار و مرتاب^۱ و غیر این اسباب که به طور تصادفی بعضی از مشتقات کلمات هم شکل شده‌اند. که باعث التباس امر بر مخاطب می‌شوند. که از این الفاظ به نام شکل صرفی یاد می‌کنیم. به طوری که در واقع اسم این نوع الفاظ، الفاظ متحد الشکل صرفی نام دارد که به خاطر اختصار شکل صرفی اطلاق می‌کنیم. مثل لفظ «اشراک» که هم جمع "شَرک" به معنای «دام و تله» است و هم جمع "شَریک" است.

۲ - ۴ - حروف معانی

حروف معانی که همان حروف جرّ هستند در چندمعنایی بودن لفظ تأثیر بسزایی دارند. زیرا بعضی از افعال در صورت متعدی شدن با حرف جرّی یک معنایی دارند و در صورت متعدی شدن با حرف جرّ دیگر معنای دیگری دارند. مثل فعل رَغِبَ که اگر با «عن» متعدی شود به معنای اعراض است و اگر با «فی» متعدی شود به معنای اقبال است. این ظرافت کاری در حروف جرّ اگر مغفول^۲ عنه واقع شود باعث التباس معنایی با معنای دیگر می‌شود. که این امر یکی از اسباب تولید الفاظ چندمعنایی شده است.

۲ - ۵ - حقیقت و مجاز

مرحوم مظفر ره در تعریف حقیقت و مجاز می‌فرماید:

«و هو اللفظ الذی تعدد معناه و لکنه موضوعٌ لأحد المعانی فقط و استعمل فی غیره لعلاقة و مناسبةٍ بینه و بین معنی الأول الموضوع له من دون أن يبلغ حد الوضع فی المعنی الثانی فیسمی حقیقة فی المعنی الأول و مجازاً فی الثانی و یقال للمعنی الأول معنی حقیقی و للثانی مجازی؛^۲ حقیقت و مجاز لفظی است که معنایش متعدد است و لکن این لفظ فقط برای یک معنا وضع شده است و استعمالش در دیگری به خاطر علاقه‌ای است که بین معنای دوم و اولی موجود است. البته استعمالش در معنای دوم به اندازه‌ای نیست که به حد وضع برسد پس این لفظ

۱. عبدالهادی مسعودی، آسیب‌شناخت حدیث، انتشارات زائر ۱۳۸۹ ش ص ۱۷۹.

۲. مظفر، محمدرضا، المنطق، قدس، قم، ۱۴۲۳ق، ص ۲۹.